بسم الله الرحمن الرحیم

دوشنبه 10/3/1400-20شوال 1442-31مه 2021- درس 359 و 360 فقه الاداره – فقه النظارة – نظارت بر برنامه – احکام نظارت – نظارت استصوابی – ترتیب اثار این نظارت

* مساله : آثار مترتبه بر نظارت استصوابی چیستند ؟

بیان مساله : اگر تکلیفی صحیح انجام شود یعنی تام الاجزاء و الشرائط اتفاق بیفتد ترتیب اثار بر آن تکلیفی جدید است مثلا برنامه باید ترمیم شود قانون باید اصلاح شود عیوب برنامه برطرف شود و این کار ترک نشود و الا نظارت استصوابی بی ثمر میشود ولغو محسوب میگردد باید مطابق رای صواب عمل کرد و آن را متحقق ساخت و این ترتیب اثر واجب است و ترک آن حرام است وادله زیر براین احکام دلالت دارند :

فقه القرآن

الأنفال : 24 يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا اسْتَجيبُوا لِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ إِذا دَعاكُمْ لِما يُحْييكُمْ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ قَلْبِهِ وَ أَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ اى كسانى كه ايمان آورده‏ايد! دعوت خدا و پيامبر را اجابت كنيد هنگامى كه شما را به سوى چيزى مى‏خواند كه شما را حيات مى‏بخشد! و بدانيد خداوند ميان انسان و قلب او حايل مى‏شود، و همه شما (در قيامت) نزد او گردآورى مى‏شويد!

وجه استدلال: خدا و رسول در جایگاه حسبه هستند و ناظر بر اعمال و اگر نظارت کردند و نقص شما را اشکار کردند که نقص نوعی از ممات است پس در رفع نقص بکوشید تا احیا شود و حیات اصلی ترین هدف اسلام است و ممات نیز یعنی عدم کمال که با رفع عوامل ممات که همان عیوب هستند به حیات مورد نظر خدا ورسول میرسیم واگر استجابت نکنیم در ممات نقائص و انحرافات باقی می مانیم در حقیقت باید به دعوت پیامبر ص به دوری از ممات کاستی ها لبیک بگوییم و ترتیب اثر بدهیم به دعوت های دلسوزانه و حیات بخش او . و حیات همان بهبود مستمر است که در اثر ترتیب اثر به دعوات احیاگرانه پدید می آید .

الحشر : 7 ما أَفاءَ اللَّهُ عَلى‏ رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرى‏ فَلِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبى‏ وَ الْيَتامى‏ وَ الْمَساكينِ وَ ابْنِ السَّبيلِ كَيْ لا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِياءِ مِنْكُمْ وَ ما آتاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ ما نَهاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَديدُ الْعِقابِ آنچه را خداوند از اهل اين آباديها به رسولش بازگرداند، از آن خدا و رسول و خويشاوندان او، و يتيمان و مستمندان و در راه ماندگان است، تا (اين اموال عظيم) در ميان ثروتمندان شما دست به دست نگردد! آنچه را رسول خدا براى شما آورده بگيريد (و اجرا كنيد)، و از آنچه نهى كرده خوددارى نماييد؛ و از (مخالفت) خدا بپرهيزيد كه خداوند كيفرش شديد است[[1]](#footnote-1)

وجه استد لال: به این فقره از ایه است که: ما آتاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ ما نَهاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا یعنی او به عنوان حسبه است و حاکم و ناظر خیر سما را میخواهد عیب شما را هدیه میکند تابع نظر او باشید در امر و نهی او واز هر عیب و نقص که نهی کرد منتهی شود و ترتیب اثر به نهی او دهید و رفع عیب و نقص نمایید .

النور : 54 قُلْ أَطيعُوا اللَّهَ وَ أَطيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّما عَلَيْهِ ما حُمِّلَ وَ عَلَيْكُمْ ما حُمِّلْتُمْ وَ إِنْ تُطيعُوهُ تَهْتَدُوا وَ ما عَلَى الرَّسُولِ إِلاَّ الْبَلاغُ الْمُبينُ بگو: «خدا را اطاعت كنيد، و از پيامبرش فرمان بريد! و اگر سرپيچى نماييد، پيامبر مسئول اعمال خويش است و شما مسئول اعمال خود! امّا اگر از او اطاعت كنيد، هدايت خواهيد شد؛ و بر پيامبر چيزى جز رساندن آشكار نيست![[2]](#footnote-2)

وجه استدلال:

باید فرامین حسبه را اطاعت کرد و تر تیب اثر داد ومسئولیت سرپیچی با کسانی است که اطاعت نمیکنند و اگر اطاعت کنند هدایت میشوند یعنی به بهبود مستمر میرسند و در هر حال حسبه وظیفه خود را که بلاغ و انذار نسبت به امور است انجام داده است وبه صواب رسیده و اعلان کرده است که این مسیر درست است و باید اصلاح کنید مسیررا و... براین اساس اطاعت واجب است یک مصداق اطاعت در استصواب است یعنی در تشخیص صواب ودر ستی که او در امور داده است .

نکته : بر این اساس نوع ایات داله بر وجوب اطاعت بر وجوب تر ترتیب اثر در نظاتر استصوابی دلالت دارند چرا که قاعدتا حسبه که نظر مستصوب خود را پس از فرایند نظارت ابلاغ میکند و انذار در اجرا هم میکند چون به صواب رسیده است مطاع است و الا اینطور نیست وبافرض علم و عدالت که در او جمع است نوعا به صواب میرسد و همین استصواب شرط اطاعت میشود واگر اطاعت شود منتهی به هدایت و اصلاح امور است ودر صورت تمرد پاسخ گویی و مسئولیت پذیری را به همراه دارد (علیکم ما حملتم) در نتیجه تر تیب اثر به نظارت استصوابی واجب است .

النور : 63 لا تَجْعَلُوا دُعاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضاً قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذينَ يَتَسَلَّلُونَ مِنْكُمْ لِواذاً فَلْيَحْذَرِ الَّذينَ يُخالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصيبَهُمْ عَذابٌ أَليمٌ صدا كردن پيامبر را در ميان خود، مانند صدا كردن يكديگر قرار ندهى؛ خداوند كسانى از شما را كه پشت سر ديگران پنهان مى‏شوند، و يكى پس از ديگرى فرار مى‏كنند مى‏داند! پس آنان كه فرمان او را مخالفت مى‏كنند، بايد بترسند از اينكه فتنه‏اى دامنشان را بگيرد، يا عذابى دردناك به آنها برسد! (63)[[3]](#footnote-3)

وجه استدلال :

آیه دال بر عواقب مخالفت امر حسبه است که به عموم خود شامل نظارت استصوابی هم میشود که چون به صواب رسیده و امر میکند مخالفت با آن عواقب سنگینی دارد به فتنه و سختی و پیچیدگی امور در کارها ی مدیریتی و غیره می انجامد و نیز عذاب الیم را در آخرت به دنبال دارد که این تهدیدات دلیل وجوب ترتیب اثر بر امر مستصوب دارد (والله العالم)

فقه الحدیث

و ثانيا: ان أحمد لو كان مصيبا في قوله و فعله، و كان سهل غاليا كاذبا، كيف خفي حاله على أجلّاء هذه الطبقة؟ و لم لم يقلّدوه‏ في رأيه و لم يصوّبوه في‏عمله؟ فتراهم يروون عنه بقم و الري كما عرفت من روى عنه بلا واسطة، و روى عنه معها أيضا جماعة، و في الفهرست: له كتاب، أخبرنا به ابن أبي جيّد، عن محمّد بن الحسن، عن محمّد بن يحيى، عن محمّد بن احمد بن يحيى، عنه.[[4]](#footnote-4)

1. **تفسير نمونه    ج‏23    501**شان نزول:از آنجا كه اين آيات تكميلى است بر آيات گذشته كه داستان شكست يهود بنى نضير را بازگو مى‏كرد شان نزول آن نيز ادامه همان شان نزول است.توضيح اينكه بعد از بيرون رفتن يهود" بنى نضير" از مدينه، باغها و زمينهاى كشاورزى و خانه‏ها و قسمتى از اموال آنها در مدينه باقيماند، جمعى از سران مسلمين خدمت رسول خدا ص رسيدند و طبق آنچه از سنت عصر جاهليت به خاطر داشتند عرض كردند: برگزيده‏هاى اين غنيمت، و يك چهارم آن را برگير و بقيه را به ما واگذار، تا در ميان خود تقسيم كنيم! آيات فوق نازل شد و با صراحت گفت: چون براى اين غنائم، جنگى نشده و مسلمانان زحمتى نكشيده‏اند تمام آن تعلق به رسول اللَّه (رئيس حكومت اسلامى) دارد (و او هر گونه صلاح بداند تقسيم مى‏كند و چنان كه بعدا خواهيم ديد پيامبر ص اين اموال را در ميان مهاجرين كه دستهاى آنها در سرزمين مدينه از مال دنيا تهى بود و تعداد كمى از انصار كه نياز شديدى داشتند تقسيم كرد [↑](#footnote-ref-1)
2. ابن‏عباس، عبدالله بن عباس، غريب القرآن فى شعر العرب، 1جلد، مؤسسة الكتب الثقافية - لبنان - بيروت، چاپ: 1، 1413 ه.ق. [↑](#footnote-ref-2)
3. ابن‏عباس، عبدالله بن عباس، غريب القرآن فى شعر العرب، 1جلد، مؤسسة الكتب الثقافية - لبنان - بيروت، چاپ: 1، 1413 ه.ق. [↑](#footnote-ref-3)
4. نورى، حسين بن محمد تقى، مستدرك الوسائل و مستنبط المسائل - قم، چاپ: اول، 1408ق. **مستدرك الوسائل و مستنبط المسائل ؛ الخاتمةج‏5 ؛ ص231** [↑](#footnote-ref-4)